



درس فایده فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: نکاح

تاریخ: ۲۵ آذر ۱۳۹۸

موضوع جزئی: مسئله ۱۸- مقام اول: نظر به اجنبیه در غیر از دست و صورت- بررسی کلی حرمت نظر با تلبذ و ریبه مصادف با: ۱۹ ربیع الثانی ۱۴۴۱

سال دوم

جلسه: ۴۴

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

بررسی کلی حرمت نظر با تلبذ و ریبه

بحث در معنا و مفهوم دو عنوان تلبذ و ریبه بود. محصل بحث گذشته این شد که معنای تلبذ واضح و روشن است. معنای ریبه هم خوف الوقوع فی الحرام است. بر این اساس نسبت بین تلبذ و ریبه عموم و خصوص من وجه است. بعد از اینکه معنای تلبذ و ریبه مشخص شد، بحث در برخی از احکام مربوط به این دو عنوان است. ملاحظه فرمودید در مواضع مختلف گفته شده که مثلاً نگاه چه با تلبذ و ریبه و چه بدون آن جایز نیست. یا جایی گفته شده نگاه بدون تلبذ و ریبه جایز است و حرمت نظر مربوط به جایی است که تلبذ و ریبه باشد.

به هر حال این دو عنوان در بعضی موارد موضوع یا قید برای موضوع حکم عدم جواز نظر واقع شده اند.

تلبذ شهوانی موضوع حرمت

منظور از تلبذ که اگر نگاه آمیخته با آن باشد حرام است، آیا تلبذ شهوی است یا مطلق تلبذ؟ در جلسه قبل اشاره شد که تلبذی که موجب حرمت نظر می شود در مواضع خودش، تلبذ به معنای شهوت جنسی است، یعنی لذت جنسی، والا مطلق تلبذ اشکالی ندارد؛ چه بسا کسی از دیدن یک منظره زیبا لذت ببرد یا حتی نظر به یک وجه زیبا از باب اینکه بالاخره زیبایی در او جلوه گر شده و این جلوه ای از تجلیات خداوند سبحان است، ولی این لذت به معنای شهوت جنسی نیست بلکه همانند لذتی است که از یک منظره زیبا برده می شود. طبق قاعده این لذت اشکالی ندارد؛ در برخی از کتب اهالی حکمت و فلسفه تصریح به این شده که اگر انسان یک صورت حسن را ببیند ولی جهت لذت حیوانی در آن باشد، این فعل قبیح و زشت است و صاحب این نگاه مستوجب عذاب الیم است. اما اگر جنبه عقلانی و تجردی آن مدنظر باشد، این قبیح شمرده نمی شود.

البته صاحب جواهر تصریح می کند به اینکه گاهی کسانی نظر به وجوه جمیله می کنند به این بهانه که این جلوه ای است از تجلیات خداوند حکیم و ادعا می کنند که اگر نظر به این وجوه می کنیم، ما را به یاد خداوند تبارک و تعالی می اندازد. ولی اینها بهانه است و به تعبیر ایشان از مکائد شیطان است که موجب فریب انسان می شود. چون این همه جلوه های زیبا خداوند متعال خلق کرده؛ همه را کنار گذاشته و می گوید من به صورت یک زن زیبارو که نگاه می کنم اساساً جنبه های شهوانی در من پیش نمی آید، عمدتاً ذهن من می رود به سمت عظمت خداوند و اینکه خداوند چه مخلوقاتی دارد. حالا خداوند این همه مخلوقات قابل توجه دارد که می تواند نظر به آنها تو را به یاد خدا بیندازد؛ حالا از بین همه آنها یکی را انتخاب کردی؟! به هر حال مراقبت می خواهد که کسی در نظر به وجوه جمیله و صور حسنه گرفتار این مکائد شیطانی نشود.

اما به طور کلی نگاه به همه مخلوقات خداوند و از جمله مخلوقات انسان‌ها، اگر آمیخته با این لذت، یعنی لذت شهوانی نباشد، در مواردی که اجازه داده شده، قهراً اشکالی ندارد. ولی اگر کسی بخواهد به دست و بازو یا گردن زنی نگاه کند، حتی بدون ایجاد چنین حالتی، این جایز نیست. در یک مواردی مطلق نظر ممنوع شمرده است؛ اما در غیر مواردی که استثنا شده، مثلاً نظر به وجه اجنبیه که این را بعداً بحث می‌کنیم، درباره نظر به وجه و صورت اجنبیه مشهور گفته‌اند نظر جایز است. حالا این نظر اگر با تلذذ باشد حرام است. حالا کسی بگوید من نگاه می‌کنم، تلذذ به معنای شهوانی و لذت جنسی هم در من ایجاد نمی‌شود؛ اما لذت معنوی به این عنوان که این چهره زیبا را خداوند خلق کرده و این من را به یاد خداوند می‌اندازد، آیا این جایز است یا نه. یک روایتی در این رابطه است که اشاره خواهیم کرد که درباره همین مسأله از علی بن سَؤید است. به حسب قاعده نظر به وجه در فرض لذت به معنای عام، یعنی لذت عقلی و نه لذت جنسی، آیا جایز است یا نه، این به حسب قاعده اشکالی ندارد. ولی واقع مطلب این است که تفکیک اینها مشکل است که کسی بگوید من لذتی که دارم می‌برم لذت عقلی است و نه لذت جنسی و شهوانی. شاید برای همین بوده که صاحب جواهر آنطور تصریح و تأکید می‌کند که این بهانه‌هایی است که گاهی انسان‌ها برای توجیه کار خودشان ذکر می‌کنند.

به هر حال موضوعی که اینجا الان مدنظر است، تلذذ به معنای لذت جنسی و شهوانی است.

ادله حرمت نگاه با تلذذ

مطلبی که فعلاً برای این جهت لازم است، یکی اصل حرمت تلذذ به این معناست؛ یعنی اینکه نگاه اگر با تلذذ به این معنا همراه باشد، این قطعاً حرام است. شما این را در مورد محارم می‌بینید، که نگاه با تلذذ به محارم حرام است. در مورد خواستگار می‌بینید، یعنی می‌گویند کسی که خواستگاری می‌رود می‌تواند به موی زن نگاه کند ولی نباید به قصد تلذذ باشد. در مورد وجه اجنبیه می‌بینید که به طور عادی نظر جایز است، ولی می‌گویند نباید به قصد تلذذ باشد. اساساً چرا نگاه با تلذذ حرام است؟ این قید از کجا آمده است؟ یا در مورد کفار و نساء اهل ذمه می‌گویند نگاه به آنها ولو مکشفه هستند جایز است اما همان‌جا قید کرده‌اند که نباید به قصد تلذذ باشد. در مورد نساء اهل بادیه همین طور؛ موارد متعددی وجود دارد که جواز نظر مقید به عدم تلذذ شده است. این قید از کجا آمده است؟

مسأله حرمت نظر با تلذذ به تعبیر برخی از بزرگان از قطعیات و مسلمات است و از واضحات در شریعت اسلامی است. در این جهت فرقی بین شیعه و سنی نیست. به عبارت دیگر این از ارتکازات مسلمین است؛ یعنی کأن همان‌طور که مسلمین نماز را واجب می‌دانند، نماز بدون وضو را صحیح نمی‌دانند و می‌گویند نماز باید با وضو و طهارت باشد، این هم یک امر ارتکازی است؛ یا به تعبیر دیگر یک امر ضروری و بدیهی است. در مورد تلذذ هم این‌طور است؛ می‌گویند این هم ارتکاز بین المسلمین است. پس این یک جهت که اساساً این از ارتکازات مسلمین است.

دوم اینکه تعبیر می‌کنند این از ضروریات و بدیهیات است؛ به این معنا که اینقدر وضوح دارد که بر آن مطالبه دلیل نمی‌شود. سیره متشرعه از ابتدا تا کنون بر این بوده که از نظر همراه با التذاذ اجتناب می‌کردند.

به علاوه این مطلب اجماعی است که نظر مع التلذذ حرام است؛ یعنی ادله و امارات و قرائن حرمت نگاه با تلذذ آنقدر زیاد و واضح است که به جهت وضوح آن، چه بسا دیگر وارد بحث از این ادله نشده‌اند. البته به خصوص مثلاً در مورد نساء اهل

ذمه این بحث مطرح شده که جواز نظر به نساء اهل ذمه به چه دلیل مقید به عدم تلذذ است؟ به خصوص در برخی مواضع این جهت مطرح شده است. یا مثلا نظر به وجه زن اجنبیه و نامحرم به چه دلیل مقید به عدم تلذذ شده است؟ بالاخره این قید عدم تلذذ از کجا آمده است؟

اینجا علاوه بر این جهاتی که عرض کردیم، به برخی آیات و روایات هم استدلال شده است. در روایات مخصوصا قید تلذذ ذکر شده؛ مثلا در همین روایت علی بن سوید حضرت تأکید می‌کند که نباید نگاه این چنین باشد. به هر حال ما خیلی نیازی نیست در مورد اصل حرمت نگاه به همراه تلذذ به غیر از مستثنیات، مثل نگاه به زوجه یا امه، دلیل اقامه کنیم.

بررسی شمول حرمت تلذذ نسبت به تلذذ غیر قصدی

تنها نکته‌ای که در باب تلذذ در این مقام نیاز به بحث دارد، این است که تلذذ بر دو قسم است: گاهی تلذذ قصدی است و اخری قهری. یعنی کسی ممکن است از اول با قصد تلذذ به دیگری نگاه کند؛ اصلا نگاه می‌کند به قصد لذت بردن. گاهی به قصد لذت بردن نگاه نمی‌کند اما قهرا تلذذ پیش می‌آید؛ مثلا کسی برای خواستگاری می‌رود و قصد لذت هم ندارد و واقعا می‌خواهد ببیند که آیا او زوجه مناسبی از نظر چهره هست یا نه، اما وقتی که نگاه می‌کند و با این چهره مواجه می‌شود، این لذت قهری پدید می‌آید. البته این در سایر موارد مربوط به جواز نظر هم ممکن است پیش بیاید. مثلا یک دکتری است که دارد یک خانمی را معالجه می‌کند و چهره او را از اول به عنوان طبابت و علاج نگاه می‌کند و اساسا قصد او این نیست که لذت ببرد؛ اما بعد این تلذذ پیش می‌آید. البته منظور ما هم از لذت و تلذذ قهری، همان نوع تلذذ شهوانی است.

با توجه به این دو قسم و دو نوع، سؤالی که مطرح است این است که آیا حرمت تلذذ مخصوص به جایی است که نگاه به قصد تلذذ باشد یا اطلاق دارد و نگاه به هر قصدی - علاج، خواستگاری - اگر با لذت بردن همراه شود، حرام است؟ این یک سؤالی است که در این مقام پیرامون مسأله تلذذ مطرح است. از عبارات فقها عمدتا استفاده می‌شود که مسأله قصد در تلذذ دخیل است. همین عبارتی که از صاحب شرایع خواندیم که «لایجوز ذلک بالتلذذ و لا ریبه»، این ظهور در این دارد که به قصد لذت بردن و به منظور لذت بردن بخواهد نگاه کند، جایز نیست.

سؤال:

استاد: مهم این است که چه در ابتدا و چه در ادامه، اگر به قصد تلذذ نگاه کند، یعنی مثلا علاج و خواستگاری تمام شده اما از آن به بعد می‌شود نگاه به قصد تلذذ، این هم حرام است. اینکه می‌گوییم نگاه به قصد تلذذ، فرق نمی‌کند که آن نگاه اولی باشد یا در وسط کار باشد؛ باز همین عنوان نگاه به قصد تلذذ صدق می‌کند.

به هر حال مسأله این است که آیا قصد تلذذ در حکم به حرمت نظر مدخلیت دارد یا اینکه حرمت نظر مطلق است، یعنی هم تلذذ قصدی را در برمی‌گیرد و هم آنجایی که قهرا پیش آید. مرحوم شیخ در رساله نکاح این بحث را مطرح کرده، دیگران هم مطرح کرده‌اند.

کلام شیخ انصاری

مرحوم شیخ در رساله نکاح می‌فرماید ظاهر این است که تحریم مقید به قصد تلذذ است؛ یعنی حکم حرمت مقید به این است که قصد لذت باشد اما اگر لذت قهرا حاصل شد، ادله حرمت شامل آن نمی‌شود. چند دلیل مورد استناد مرحوم شیخ قرار گرفته است:

دلیل اول: ادله اطلاق دارد؛ به این معنا که مثلا در مورد خواستگار می‌گوید ادله جواز نظر اطلاق دارد تنها جایی که این استثنا شده و قید خورده و خارج شده، آنجایی است که قصد تَلذذ باشد و لذا در شمول این ادله از نظر اطلاق یا عموم نسبت به جایی که قصد تَلذذ نیست ولو قهرا تَلذذ پیدا شود، تردید داریم؛ لذا اصالة الاطلاق یا اصالة العموم حکم می‌کند به جواز نظر. پس مورد تَلذذ قهری از دایره حرمت نظر خارج است.

دلیل دوم: به طور کلی اگر قرار باشد نظر و نگاه چه جایی که قصد تَلذذ هست و چه جایی که تَلذذ حاصل می‌شود حرام باشد، یک تالی فاسد دارد و آن اینکه بالاخره نظر به صورتهای زیبا - چه مرد و چه زن - غالبا قابل انفکاک از تَلذذ نیست. این طبیعت بشر است که انسان نسبت به مناظر زیبا و چهره‌های زیبا، نظرش جلب می‌شود و از آنها لذت می‌برد؛ اگر قرار باشد نظر حرام باشد مع حصول التَلذذ، لازمه‌اش این است که نظر به وجوه زیبا استثنا شده باشد، در حالی که هیچ کسی نظر به وجوه زیبا را استثنا نکرده و تفصیل نداده به اینکه مثلا به وجوه زیبا می‌تواند نگاه کند ولو تَلذذ حاصل شود اما در مورد زنی که برای خواستگاری می‌رود، نمی‌تواند نگاه کند. پس دلیل دوم این است که به طور کلی این جواز نگاه و حکم به جواز نگاه بدون قصد لذت، غالبا با این لذت قهری یا تَلذذ قهری قابل انفکاک نیستند. این نکته را عنایت بفرمایید که منظور مرحوم شیخ در اینجا از این لذتی که می‌گوید، لذت شهوانی نیست. این استدلال در واقع اصل لذت را اینجا مورد توجه قرار داده است. این خودش یک مقداری مسأله را متفاوت می‌کند.

دلیل سوم: روایت علی بن سوید است؛ روایت این است: (البته برخی از آن تعبیر به مؤید کرده‌اند، یعنی مرحوم شیخ این را مؤید قرار داده است). «عَنْ عَلِيِّ بْنِ سُوَيْدٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ (ع) إِنِّي مُبْتَلَى بِالنَّظَرِ إِلَى الْمَرْأَةِ الْجَمِيلَةِ فَيُعْجِبُنِي النَّظَرُ إِلَيْهَا فَقَالَ (ع): يَا عَلِيُّ لَا بَأْسَ إِذَا عَرَفَ اللَّهُ مِنْ نَيْتِكَ الصَّدْقَ وَإِيَّاكَ وَالزَّوْأَانَ فَإِنَّهُ يَمَحِقُ الْبُرْكَاتِ وَيُهْلِكُ الدِّينَ^۱». علی بن سوید می‌گوید من به ابوالحسن عرض کردم که من مبتلا به این هستم که به زن زیبا نگاه می‌کنم. دقت کنید که می‌گوید من مبتلا هستم و نمی‌گویم یکبار نگاه می‌کنم؛ گویا عادت و رویه علی بن سوید این بوده که به زنان زیبا نگاه می‌کرده است. گاهی نظر به اینها باعث اعجاب من می‌شود. (البته به خصوص بحث تَلذذ مطرح نیست؛ بلکه می‌گوید من را به اعجاب وا می‌دارد). امام (ع) فرمود اشکالی ندارد. وقتی که خدا از نیت صادقانه و پاک تو آگاه است، این اشکالی ندارد. فقط از زنا پرهیز چه اینکه زنا باعث از بین رفتن برکت و باعث نابودی و از بین رفتن دین می‌شود.

تقریب استدلال این است که بسیار برای او این مسأله اتفاق می‌افتاد که به زنان زیبارو نگاه کند و در هنگام نگاه هم لذت می‌برد به خاطر این زیبایی. (البته در روایت ندارد که لذت می‌برد؛ می‌گوید باعث اعجاب من می‌شد. اصلا شاید به همین جهت مرحوم شیخ این را مؤید قرار داده است. چون بحث تَلذذ نیست؛ می‌گوید باعث اعجاب من می‌شد که مثلا خدا چه مخلوقاتی دارد). بعید است که درباره این شخص گفته شود که آدم چشم‌چرانی بوده باشد. بر فرض هم که چشم‌چران بوده، چطور حضرت به او فرموده که اشکالی ندارد و فقط مواظب باش کار به زنا نکشد. این را به این عنوان مؤید قرار داده‌اند که او نگاه می‌کرده و تَلذذ هم برای او پیش می‌آمده و این تَلذذ به یک معنا قهری بوده، نه اینکه از اول به قصد تَلذذ نگاه کند.

۱. وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۳۰۸، باب ۱ از ابواب نکاح المحرم، ح ۳.

اینکه بعضی دوستان فرموده‌اند که این چه بسا شغلش این بوده، مثلاً پارچه فروش بوده، یک چیزی می‌فروخته که بیشتر زنان می‌آمدند و می‌رفتند و این ابتلا برای او پیش می‌آمد.

آنچه که مسلم است این است که این روایت در جواز نظر به زن در حالی که از ابتدا قصد تَلذُّذ نبوده اما وقتی که نگاه می‌کرده این تَلذُّذ برای او پیش می‌آمد ظهور دارد.

به هر حال با این سه دلیل، مرحوم شیخ می‌فرماید ظاهر این است که نظر به قصد تَلذُّذ حرام است اما در جایی که نظر به قصد تَلذُّذ نبوده، اما تَلذُّذ قهراً پیش آمده، ادله شامل آن نمی‌شود. حالا باید ببینیم این ادله تمام است یا نه؛ معنای روایت چیست و مهم‌تر از همه اینکه آن تَلذُّذی که موضوع بحث است و ما می‌خواهیم ببینیم روایت شامل این ادله می‌شود یا نه، مطلق تَلذُّذ است ولو لم یکن شهویاً، یا اینکه خصوص تَلذُّذ شهوانی است و اصلاً اینجا خلط صورت گرفته است. این را در جلسه آینده بررسی خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»